

چرا جریانات ضدانقلاب و برانداز به دنبال تحریم ورزش ایران هستند؟

کاسبان حذف ایران

بی‌تدبیری در برگزاری صحیح بازی تیم ملی فوتبال در مشهد، جریان ضدانقلاب را برای پیگیری مجدد تحریم ورزش ایران به طمع انداخت



گروه سیاسی: اجماع بدخواهان و دشمنان ایران برای تحریم ورزش ایران با چه هدفی شکل گرفته است؟ چرا در روزهایی که سیاسی بودن ورزش بیش از هر زمان دیگری خود را نمایان کرده است، جریانات ضدانقلاب نیز تلاش خود را برای جلوگیری از حضور تیم‌های ورزشی کشورمان در تورنمنت‌های بین‌المللی افزایش داده‌اند؟ و در نهایت گذر به ایران تحمیل شده است، تقلاى جریانات برانداز و غریب‌ها برای تحریم ورزش ایران چه توجیهی دارد؟ یافتن پاسخی برای این سوالات بیش از آنکه رنگ و بوی ورزشی داشته باشد، نشانی از سیاست دارد.

به گزارش «وطن‌امروز»، نخستین پیروزی تیم ملی فوتبال کشورمان در قرن جدید تلخ بود. رد این تلخی را البته نه در داخل زمین که در نزدیکی گیت‌های ورودی ورزشگاه امام رضاع) مشهد می‌شد پیدا کرد. نمایش کامل یک بی‌تدبیری در میزبانی از بازی تیم ملی فوتبال ایران باعث خلق صحنه‌هایی تلخ و زنده در مواجهه با بانوانی شد که برای تماشای آخرین مسابقه ملی پوشان کشورمان راهی ورزشگاه شده بودند. ممانعت از ورود بانوان که در نهایت به درگیری‌هایی نیز ختم شد، کام هم‌ه را در روز پسروری تیم ملی فوتبال ایران تلخ کرد، تا آنجا که مقتدرانه‌ترین صعود به جام جهانی در تاریخ فوتبال در نتیجه سوءمدیریت و بی‌تدبیری مسؤولان امر به نوعی در حاشیه قرار گرفت.

حوادث مشهد البته با واکنش سران قوا مواجه شد. بر همین اساس در پی ارائه گزارشی از حواشی پیش آمده در مسابقه فوتبال ایران و لبنان در مشهد درباره فرآیند فروش بلیت، عدم رعایت پروتکل‌های بهداشتی ابلاغی ستاد کرونا در رعایت سقف مجاز تماشاچیان و تخصیص حقوق برخی شهروندان بویژه بانوان که برای تماشای مسابقه بلیت تهیه کرده بودند، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور، وزیر کشور را موظف به بررسی دقیق موضوع، انجام اقدامات لازم و ارائه گزارش کرد. محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی هم در صفحه شخصی خود در توییتر نوشت: «فتار غیرمنطقی و دور از شأن در مواجهه با بانوان محترم که ناشی از کاستی‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری‌های شانزده بود، عموم مردم را متأسف و متأثر کرده است. کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها مامور شده است با قید فوریت و با احضار مسؤولان خاطی، به این سوءمدیریت رسیدگی کند و زمینه استیفای حقوق بانوان محترم و ارجحند را فراهم کند». دادستان کل کشور نیز درباره حواشی ممانعت از ورود بانوان به ورزشگاه امام رضاع) در مشهد گفت: گزارشی در این زمینه به دستم رسیده است. مسؤولان باید از قبل تدبیر می‌کردند. اگر شرایط به گونه‌ای بوده که وارد ورزشگاه شوند و بلیت بفروشند به بانوان، خباً قطعاً باید متناسب با بلیت‌فروشی جایگاه مناسب برای بانوان فراهم می‌کردند. اگر هم فضای مناسب حضور بانوان نبود، اساساً نباید بلیت می‌فروختند و باید عقل خود را به کار می‌انداختند. اینکه بلیت بفروشند و بعد ممانعت کنند به هیچ‌وجه مورد تأیید و قابل قبول نیست. حجت‌الاسلام محمدجعفر منتظری گفت: نه تنها عذرخواهی کافی نیست، بلکه باید وجوه را برگرداند و عذرخواهی جدی کنند. این کار بسیار غیرقابل قبولی بود که انسان بلیت بفروشد و بعد راه ندهد. وی ادامه داد: ظرفیت ورزشگاه مشخص است. بخشی که برای بانوان در نظر گرفته بودند هم مشخص است و با مدیریت می‌کردند. این کار نشان‌دهنده ضعف مدیریت است و به سهم خود از این بانوان محترم با وجود اینکه جزو وظایف ما نبوده، عذرخواهی می‌کنم و امیدواریم دیگر شاهد این اتفاقات نباشیم.

با این حال خشم عمومی نسبت به این حوادث باعث شد برخی جریانات معلوم‌الحال خارج‌نشین و رسانه‌های ضدانقلاب از این بستر برای پیگیری فتنه قدیمی خود برای تحقق بخشیدن به پروژه تحریم ورزش ایران استفاده کنند؛ اتفاقی که پیش از این نیز به بهانه‌های مختلف رخ داده بود. ۴ سال قبل در آستانه بازی‌های جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه بود که جریانات ضدانقلاب در اقدامی مدبوحانه تلاش کردند مهدی طارمی را به علت انتشار محتوایی علیه رژیم اشغالگر قدس در فضای مجازی، از حضور در این مسابقات منع کنند. اما جدی‌ترین اقدام ضدانقلاب خارج‌نشین ۲ سال پیش و به بهانه قصاص یک قاتل مجرم پی گرفته شد. مسیح علینژاد و باقی مزدوران رسانه‌های غرب تلاش کردند با انتشار تصاویر شخص قصاص‌شده در سالن کشتی، پروژه تعلیق ورزش ایران را پی بگیرند. در این میان محرومیت فدراسیون جودوی کشورمان از حضور در تورنمنت‌های بین‌المللی در سال‌های اخیر باعث شده بود ضدانقلاب

کردن ایرانیان از ابزاری مهم و انسجام‌بخش با اهداف دیگری همچون مشروعیت‌بخشی تعرض خارجی به ایران نیز نسبت دارد. مضاف بر اینها طرح تحریم ورزش ایران را باید عملیاتی روانی در جهت نرمالیزه کردن ایستادگی مقابل منافع ایران در فضای عمومی جامعه دانست؛ امری که پیش از این نیز با حمله به ارگان‌های امنیتی و در پوشش پیگیری مطالبات سیاسی و اجتماعی پی گرفته شده بود.

■ ورزش ملی در خدمت چندقطبی‌سازی جامعه
سواى محقق شدن یا محقق نشدن پروژه تحریم ایران، صرف طرح شدن این مساله می‌تواند جامعه را نسبت به موضوعی که همواره بیشترین کنش مشترک را خلق می‌کرده است دچار اشتقاق و چندگانگی کند. به عبارت دیگر حتی اگر این پروژه هیچ‌گاه عملی نیز نشود، ضرب و وحدت‌آفرینی مسابقات ورزشی را در جامعه ایران تضعیف می‌کند و تا آنجا پیش می‌رود که برخی پیروزی نماینده ایران را شکست خود در مسیر تحقق مطالبات سیاسی و اجتماعی تلقی می‌کنند. جامعه ایران با تمام تکتک‌های سیاسی، قومی، طبقاتی، فرهنگی و... همواره پیروزی‌های ورزشی را پیروزی خود می‌دانسته و شکست نمایندگان ایران را نیز شکست خویش تلقی می‌کرده است. به همین خاطر حافظه جمعی ایرانیان در عرصه ورزش ملو از تجربیات تلخ و شیرین مشترکی است که یگانگی مردم را در مواجهه با پدیده‌های ملی تثبیت کرده است. در چنین فضایی چندقطبی کردن جامعه ایران در مواجهه با این عرصه را می‌توان اقدامی هدفمند با نیت غیرملمی کردن ورزش ملی ایران در رقابت با رقبای خارجی دانست. در نهایت پروژه تحریم ورزش را باید نشانی از استیصال جریاناتی دانست که به رغم تمام فشارهای خارجی تحمیل شده به مردم ایران در سال‌های گذشته در تحقق اهداف شوم خود به توفیقی دست نیافته‌اند و حالا ننگ و بی‌آبرویی جلوداری برای تحریم ورزش ایران را برای خود خریداری کرده‌اند. از سوی دیگر اما تجربه سوءمدیریت در برگزاری مسابقه تیم ملی در مشهد بار دیگر این واقعیت را گوشزد کرد که فقدان تعهد و مسؤولیت‌پذیری در میان مقام‌های اجرایی کشور چگونه می‌تواند فضای عمومی جامعه را برای پیگیری پروژه‌های ویرانگر جریانات برانداز و ضدانقلاب هموار کند. لزوم عبرت گرفتن از این تجربه تلخ و پرهزینه امری ضروری برای صیانت از سرمایه‌های اجتماعی و سیاسی کشورمان است. ورزش قهرمانی به عنوان یک ابزار هویت‌بخش و انسجام‌آفرین در صورت عدم مدیریت صحیح می‌تواند بر خلاف رسالت اولیه خود عمل کرده و جامعه را چندقطبی و اشتقاق یافته کند.

نیازمند تضعیف و خنثی‌سازی هر آن چیزی است که مردم کشوری را به فهم و ادراکی مشترک می‌رساند. مسابقات ورزشی هر چند در ظاهر امر به عنوان یک فتنن جمعی شناخته می‌شود اما عملاً یکی از بسترهای فهم و ادراک مشترک پیرامون حادثه‌های واحد در یک ملت است. زمانی که تمام مردم از پیروزی یک ورزشکار به وجد می‌آیند یا لحظه‌ای که همگی با ضربه فنی شدن کشتی‌گیری آه و ناله سر می‌دهند، در حال تجربه یک حس مشترک ذیل حادثه‌ای ملی هستند؛ حادثه‌ای که در آن معیار خوشی و ناخوشی نتیجه‌گیری نماینده‌ای از یک ملت است. خشم معاندان ایران از موفقیت فرزندان ایران در آوردگاه‌های بین‌المللی سواى اینکه باعث تقویت خشنودی جمعی ایرانیان می‌شود، به این مساله نیز بازمی‌گردد که اساساً میدان ورزش به تقویت همبستگی و هم‌سرنوشتی مردم کمک می‌کند. از میان برداشتن این همبستگی و تضعیف تجربه جمعی یکی از اهداف براندازان و بدخواهان است.

■ مشروعیت‌بخشی به دخالت و تجاوز خارجی
تحریم اقتصادی با فشار بر مردم به دنبال انزجار ملت‌ها از دولت‌های شان و در نهایت حرکت کشورها به سمت فروپاشی است. در این میان مهم‌ترین کارویژه تحریم‌های اقتصادی را می‌توان سست کردن پایه‌های مشروعیت و اقتدار سیاسی حکومت‌های تحریم‌شده دانست. طبق آنچه تا اینجا به آن پرداخته شد، ورزش یکی از مهم‌ترین ابزارها برای خلق حافظه و هویت مشترک مردمان یک کشور به حساب می‌آید که بیشترین نسبت و بهره‌گیری از ناراضیاتی عمومی درباره رویدادهای ورزشی و تلاش عامدانه برای باز کردن پای نهادهای بین‌المللی به این عرصه را می‌توان گامی مقدماتی برای مشروعیت‌بخشی به دخالت خارجی در امور داخلی یک کشور دانست. به بیان دیگر هر قدر ورزش قهرمانی با برجسته کردن هویت ملی در رقابت با نمایندگان دیگر کشورها به تقویت تعهد مردم یک کشور نسبت به استقلال و اقتدارشان یاری می‌رساند، تشکیل کمپین برای دخالت خارجی در مسائل ورزشی یک کشور نتیجه‌ای معکوس با خود به همراه دارد. جریانات برانداز و ضدانقلاب که رسوایی‌شان در تمنا کردن به دولت‌های غربی برای حمله نظامی به ایران در سال‌های اخیر باعث بی‌آبرو شدنشان در افکار عمومی شده است، با فرصت‌طلبی از برخی حوادث و شکل‌گیری ناراضیاتی داخلی، سعی می‌کنند با مشروعیت‌بخشی به این دخالت خارجی، خط فرمز ایرانیان نسبت به دخالت بیگانگان در امور داخلی کشورشان را تضعیف کنند. بر همین اساس پروژه تحریم ورزش ایران، علاوه بر محروم

که در نهایت طلوع هیچ روز خوبی را در ایران ممکن نمی‌داند و مهاجرت را تنها راه خوشبختی ایرانیان توصیف می‌کند. در این فضا طبیعتاً هر حادثه، خبر و مؤلفه‌ای که به «خشنودی جمعی» و «غرور ملی» ایرانیان ختم شود، به عنوان امری نامطلوب تلقی می‌شود. خواه‌ناخواه ورزش به عنوان یک میدان رقابت ملی که بیشترین جذابیت را برای مردم دارد، دقیقاً به عنوان یکی از میدان‌های خلق «خشنودی جمعی» و «غرور ملی» به حساب می‌آید؛ میدانی که پیروزی‌های آن گاه تبدیل به نوستالوای جمعی مردم می‌شود و حتی شکست‌هایش نیز حس دلسواری همزمانی را میان ده‌ها میلیون ایرانی به وجود می‌آورد و در نهایت کلیشه «جبر فلاکت» را با چالش مواجه می‌کند. همین مساله به عنوان یکی از اصلی‌ترین اهداف بدخواهان ایران برای ناکام گذاشتن ورزش ایران شناخته می‌شود. وقتی یک کشور تحت تأثیر بی‌سابقه‌ترین نظام تحریمی از سوی دشمنان در مضیقه قرار گرفته است و با مشکلات اقتصادی و اجتماعی زیادی دست‌وپنجه نرم می‌کند، رسانه‌های بیگانه تمام توان خود را بر تبدیل این فشارها به یک ناراضیاتی و از خودبیگانگی می‌گذارند. در این شرایط پیروزی یک ورزشکار ایرانی و خلق «خشنودی جمعی» و «غرور ملی» دقیقاً در نقطه مقابل تمام اهداف بدخواهان قرار می‌گیرد و ملتی را که به واسطه رنج‌های تحمیل‌شده متفرق شده است، در موضعی مشترک به یک رضایت واحد می‌رساند. تلاش برای سرکوب این رضایت و شادی مهم‌ترین هدفی است که از سوی این جریانات پیگیری می‌شود. تقلاهای مسیح علینژاد به عنوان یکی از بازوهای رسانه‌ای جریان برانداز که ابایی از تشویق دشمنان ایران برای تشدید تحریم‌ها و فشار بر مردم ایران ندارد، برای تحریم ورزش ایران و حمله آشکار به ورزشکار موفق ایرانی، نشان از هراس بدخواهان ایران از شکل‌گیری حتی لحظه‌ای حس شادی و رضایت در میان ایرانیان دارد.

■ غرور و انسجام ملی ممنوع!
بی‌ریشه‌سازی جامعه ایران و از میان برداشتن تمام مولفه‌های هویتی، یکی از استراتژی‌های جریانات معاند در سال‌های گذشته بوده است؛ استراتژی سیاسی‌ای که البته بیشتر مواقع با روکش‌هایی فرهنگی و روزمره پیگیری می‌شود و در بطن خود هدفی جز نابود کردن انسجام ملی ایرانیان ندارد. کافی است به محتوای تولیدات رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور در یک دهه گذشته نگاهی کوتاه بیندازیم تا با حجم انبوهی از برنامه‌ها و گفت‌وگوهای مواجه شویم که محور اصلی آنها ایجاد تشکیک در عناصر و ارزش‌های ملی، مذهبی و خانوادگی است؛ خط ثابت رسانه‌های ضدانقلاب در طول ۴ دهه گذشته تأکید بر فلاکت حتمی ایرانیان، بزرگنمایی مشکلات و در نهایت ناامیدسازی مردم بوده است؛ خطی که همواره در برهه‌های مختلف و در ظاهر اطلاع‌رسانی درباره حوادث تلخی همچون بلایای طبیعی و بیماری (سپیل، زلزله، شیوع ویروس کرونا و...) یا پوشش اعتراضات مردمی و درگیری‌های خیابانی به وضوح قابل مشاهده است. خط ثابت جریانات ضدانقلاب برای خلق این تداعی که فلاکت یک پدیده جبری در جغرافیای ایران است، به اشکال مختلفی پیگیری می‌شود؛ خطی

با بالاترین سرعت، بدون قطعی دانلود کنید

حجم نامحدود و پرسرعت با انتخاب اینترنت با کیفیت